

# نقاشی که مدل‌هایش



فاطمه حمیره  
گفت و گو

فیلم سینمایی «کویبسم» که اگر آن از پلنقرم «هانشور» آغاز شده است، سوژه جذابی دارد و در ژانر جنایی بر اساس زندگی دو نقاش ایرانی و غیرایرانی که سوژه‌های نقاشی خود را به قتل می‌رسانند، ساخته شده است. حامد شایسته کارگردان این فیلم که ساخت هفت فیلم کوتاه و یک فیلم بلند سینمایی را در کارنامه هنری خود دارد، برای دومین فیلم بلند خود یک سوژه جنایی را برگزیده است؛ ژانری که مخاطبان بسیاری در سینمای ایران و جهان دارد و در سال‌های اخیر در کانون توجه بسیاری از فیلمسازان جوان ایرانی قرار گرفته است. به بهانه آغاز کار «کویبسم» روزنامه صبا با حامد شایسته کارگردان و جمشید بهادری بازیگر نقش جمشید فریدا در این فیلم گفتگو کرده است.

حامد شایسته:

سینماگفتمانی جهانی است

کارگردان فیلم «کویبسم» بر این باور است که نسل جوان فیلمسازان ایرانی می‌توانند همراه با موجی از فیلمسازی که از زمان عباس کیارستمی تا صغر فرهادی به آن پرداخته می‌شود، حرکت کنند و اتفاقی خواهند نگاه تازه‌ای در فیلمسازی را تجربه کنند؛ فیلم‌هایی که لزوماً موضوع آن مسائل و مشکلات مردم ایران نباشد و فیلم «کویبسم» نیز در همین راستا در ژانر جنایی ساخته شده است.

**سوژه فیلم کویبسم و فیلمنامه اولیه‌اش بر اساس چه طرحی شکل گرفت؟**

سوژه این فیلم بر اساس واقعیت تاریخی شکل گرفته و درباره زنی نقاش به نام فریدا است که ما این شخصیت را در فیلمنامه به مرد تبدیل کردیم. این زن نقاش هر زمان که از روی مدلی نقاشی می‌کرد، او را می‌کشت. بن‌مایه اولیه این فیلمنامه بر اساس واقعیت است اما با نگاهی سوررئال گسترش پیدا می‌کند و هیچ یک از سکانس‌های فیلم رئال نیست.

**چرا شخصیت زن را به مرد تبدیل کردید؟**

به دلیل محدودیت‌هایی که در سینمای ایران وجود دارد ناگزیر از این کار بودیم. برای برخی نقش‌ها نمی‌توان از شخصیت زن استفاده کرد و ما هم ناچار شدیم که این شخصیت را در قالب یک مرد ببینیم.

**آیا پیش‌تر هم در سینما به این سوژه پرداخته شده بود؟**

بله. فیلم‌هایی با این سوژه به ویژه در هالیوود ساخته شده است.

**«کویبسم» با فیلم‌های قبلی بر گرفته از همین سوژه، چه تفاوت‌هایی دارد؟**

شخصیت اصلی فیلم ما البته با کاراکتر فریدا متفاوت است. ما از یک مرد نقاش ایرانی هم‌الهام گرفتیم که او هم سوژه‌ها و مدل‌های نقاشی‌هایش را می‌کشته و در حیاط پشتی خانه‌اش دفن می‌کرده است. جنایت‌های این نقاش ایرانی حدود ۱۰ سال پیش صورت گرفته و از جمله پرورده‌های بسته شده در دادگستری است.

**روی این سوژه اصلی برای رسیدن به فیلمنامه چقدر مطالعه شد؟**

ابتدا بر اساس اتفاقاتی که رخ داده بود، تحقیقاتی صورت گرفت و پس از آن با توجه به دنیای نوگرا و سوررئالی که می‌خواستیم دنبال کنیم، فیلمنامه را نوشتیم.

**درباره انتخاب بازیگران چطور به نتیجه رسیدید؟**

جمشید بهادری بازیگری بود که پیش از این بازی او را دیده بودم و به نظر من بسیار به این شخصیت نزدیک بود. زمانی که بهادری فیلمنامه را که خواند، دوست داشت این شخصیت را بازی کند و به این ترتیب همکاری ما مشکل گرفت. درباره بازیگران دیگر نیز همین‌طور بود. بازی همه آنها را دیده بودم و مختصات شخصیت‌های فیلم را بر سلس بازیگر خاص آن نقش نوشتیم.

**اگر آن فیلم چطور بود؟**

اگر آن قرار بود روی پرده سینمایی هنر و تجربه باشد، با این اوضاع و شرایطی که سینما دارد برای ما کارگردان‌های جوان بردن فیلم روی پرده آسان نیست چون تهیه‌کنندگان یا پول‌های کلان می‌گیرند یا معیارهای عجیب‌غریب برای فیلم‌های روی پرده در نظر می‌گیرند و به این ترتیب سینما رفته رفته می‌میرد. به نظر من سینمای هنر و تجربه از میان بیش از ۸۰ میلیون جمعیت ایران حتی یک میلیون تماشاگر هم ندارد و در این شرایط نمی‌توان فیلم را اگر آن کرد پس ناچار شدیم از پلتفرم‌های آنلاین که البته پیشرفت‌های خوبی هم داشتند، استفاده کنیم. باید بگویم موضوع حمایت از کارگردان‌های جوان در سینمای هنر و تجربه یک شعار است و روی دیگر آن یک شورای ۱۰ نفره حضور دارند که فیلم‌ها را اقصاوت می‌کنند و ۹۰ درصد فیلم‌ها در این شورا پذیرفته نمی‌شود. فیلمی داشتیم که در بهترین فستیوال‌ها شرکت کرده

از مخاطبان نیز فیلم ما را دیده و مخاطب آن بودند.

**باز خوردها چطور بود؟**

کامنت‌هایی که مخاطبان گذاشته بودند و برخی از آنها را برای ما فرستاده بودند، خیلی خوب بود و خوشبختانه مردمی که فیلم ما را تماشا کرده بودند، با وجود آن که این فیلم هیچ بازیگر شناخته شده و چهره‌ای ندارد اما از سطح کیفی فیلم راضی بودند.

**چرا نخواستید از بازیگر چهره استفاده کنید؟ به دلیل کاهش هزینه‌ها؟**

این دیدگاه که حتماً فیلم باید چهره شناخته شده‌ای داشته باشد تا دیده شود، منسوخ شده است. مردم می‌خواهند فیلم خوب ببینند و دنبال داستان خوب هستند نه صرفاً دیدن چهره‌های شناخته شده و البته بدون بازیگران چهره هزینه‌های تولید فیلم هم کاهش پیدا می‌کند.

**در مسیر تولید این فیلم چه مسائل و مشکلاتی را پشت سر گذاشتید؟**

ما گروهی مستقل هستیم و مستقل بودن در فیلمسازی به شدت سخت است. ما هم سختی‌های بسیاری را به لحاظ مالی و تبلیغاتی داشتیم. فکر می‌کنم هر کسی در سینما به صورت مستقل فعالیت داشته باشد، این زحمات و سختی‌ها را هم خواهد داشت چون از

وجوایی هم دریافت کرده بود اما در هنر و تجربه رد شد و این واقعیتی در هنر و تجربه است. فیلمی که از جشنواره کن جایزه برده است چرا در هنر و تجربه رد می‌شود و من کارگردان جوان نمی‌تولم فیلم را در خانه خودم اگر آن کنیم ولی در فستیوال‌های خارجی این امکان وجود دارد؟ در حال حاضر هنر و تجربه مخاطب زیادی هم ندارد به این دلیل که کیفیت فیلم‌ها پایین است و عامه مردم هم مخاطب آن نیستند.

**فکر می‌کنید بهترین فضا برای اکران و نمایش این فیلم کجاست؟**

سینمای هنر و تجربه سینمایی است که مختص فیلم ما محسوب می‌شود اما با مدیریت ضعیف و پایین آمدن کیفیت آثار حالا دیگر پلتفرم‌های آنلاین جای آنها را گرفته است و فرآیند این پلتفرم‌ها به اندازه‌ای است که سینمای بدنه را هم فرامی‌گیرد. پلتفرم‌های برخط امکانات خوبی دارند چون آنلاین هستند، همه می‌توانند هر زمان که خواستند تماشا کنند.

**فکر می‌کنید مخاطب این فیلم چه کسانی هستند و چه گروهی از مخاطبان را می‌تواند به خود جذب کند؟**

به نظر من فیلم «کویبسم» از مخاطب عام تا خاص و از کودک تا بزرگسال را دربرمی‌گیرد. مردم سریال‌های صداوسیما کشورمان را تماشا نمی‌کنند و سراغ سریال‌های خارجی می‌روند، همین طیف